

## ■ چکیده

این مقاله، برداشت آزاد نویسنده است از مطالبی که آقای کمری در سخنرانی سه‌شنبه ۹۵/۶/۹ در محل خیرگزاری مهر و در مراسم رونمایی از کتاب آقای قرایی «از سناباد شعر» ایراد کردند. نویسنده، با اشتراک‌گذاری این برداشت می‌خواهد موضوع و مسئله‌ای که آقای کمری از آن بحث کرده و نیز پرسش‌ها و اهداف و ضرورت‌هایی که با استنباط از سخنان خودشان، پشت آن موضوع و مسئله وجود دارد را آشکار کند.

## کلیدواژه‌ها:

ادبیات انقلاب اسلامی؛ سوژه؛ تاریخ شفاهی؛ ایشه.

## هنر و ادبیات انقلاب اسلامی؛ منبع پایان‌ناپذیر سوژه برای تغذیه تاریخ‌شفاهی در ایران

فرانک جمشیدی<sup>۱</sup>

۱- به نظر مناسب باشد که موضوع سخنرانی آقای کمری را «اهتمام فرهنگی به تدوین تاریخ‌شفاهی ادبیات و هنر انقلاب اسلامی» بدانیم و آنگاه مستند به آن سخنرانی، مسئله و دغدغه‌ای را که ایشان از طرح چنین موضوعی دنبال می‌کند، عبارت بدانیم از چگونگی به سخن درآوردن اهالی فرهنگ و ادب و هنر انقلاب اسلامی و متن‌هایی که تولید کرده‌اند از حیث نقش تردیدناپذیرشان در نشانه‌گذاری واقعه‌ای به نام «انقلاب اسلامی» و نزدیک کردن آن به جهان فهم انسان‌ها؛ چگونگی بازیافت این سوژه‌ها و ابژه‌ها که تاریخ به سرعت در حال عبور از آن‌هاست؛ چگونگی قدرت‌بخشیدن به صداهایی که برخی اکنون خاموش شده و به جهان سکوت پیوسته‌اند و برخی دیگر به زودی به خاموشی خواهند گرایید؛ و سرانجام، چگونگی مرئی‌سازی‌شان، با وجود نهایت تأثیرگذاری‌ای که دارند ولی از شدت حضور، نامرئی می‌نمایند یا اساساً دیده نمی‌شوند.

بدیهی است پشت‌سرگذاری فرآیند یا مسیر صدادار کردن، بازیافتن، قدرت‌بخشیدن و مرئی‌ساختن سوژه‌ها و ابژه‌های ادبی و هنری انقلاب اسلامی، نیازمند مواجهه یا تأملی انتقادی در هستی‌شناسی انقلاب اسلامی باشد و نیز در هستی‌شناسی هنر و ادبیاتی که علاوه بر اعاده هنر و ادبیات هزارساله این مرز و بوم، چیزی از آن خود دارد.

این نگاه یا تأمل انتقادی از وجهی دیگر نیز ضروری است و آن عبارت است از این‌که واقعه گسترده‌ای چون انقلاب اسلامی، به‌رغم اینکه به‌لحاظ زمانی در یک برهه خاص تاریخی شأنیت ظهور یافته، زمان را به‌شدت از خود متأثر کرده است، چندان که نمی‌توان برای سنجش عمر این پدیده، قائل به «از» و «تا»ی تقویمی شد و دقیقاً تعیین کرد حیات این واقعه از چه زمانی آغاز شده

۱- کارشناس، پژوهشگر و نویسنده مطالعات  
جنگ. faranak.jamshidi@gmail.com

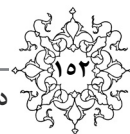


و در کجا به پایان رسیده است یا به پایان خواهد رسید. به همین سبب، تاریخ در معنای مشهور و متعارف و قریب به ذهن همگان که در بررسی هر واقعه‌ای، خط سیر مشخصی را دنبال می‌کند، بسنده برای این مواجهه انتقادی با هستی‌شناسی انقلاب اسلامی و هنر و ادبیات آن نیست، بلکه لازم است رویکردی به تاریخ که در آن، روش به گفت درآوردن واقعه و سوژه‌ها و ابژه‌های آن نقش اساسی ایفا می‌کند، به کار گرفته شود.

۲- به گفت درآوردن، از آن حیث که نوعی کشف است، هنر تلقی می‌شود؛ یعنی چیزی بیش از روش و رویکرد است. به همین سبب، دیسیپلین‌های متعدد دانشگاهی در یک فرآیند پیوسته و آهسته، به این سمت پیش رفته‌اند که هر یک تجارب حاصل از روش‌ها و رویکردهای خود در کشف جهان درون و بیرون پدیده‌ها را در اختیار یکدیگر بگذارند تا حاصل این هنر کشف، هر چه بهتر، ژرف‌تر و گسترده‌تر نمایان شود. از آن پس، هر یک از این دیسیپلین‌ها، بسته به استعدادها و قابلیت‌هایشان در تخیل‌ورزی، روایتگری، سناریونویسی برای روایت، تدوین و پردازش روایت، امر کشف‌شده را در قالب واژه‌ها، جملات، عبارات و بندها، بخش‌ها و فصول، تصاویر، جداول و نمودارها و ... عرضه و ارائه کرده و می‌کنند.

استنباط من از فحوای سخنان آقای کمری و تأکیده‌های مکررشان بر ضرورت به‌کار بستن رویکرد و روش تاریخ‌شفاهی به ادبیات و هنر انقلاب اسلامی این است که میان گفت‌وگو (به‌مثابه آن‌چه ناظر بر جوهره و روح تاریخ‌شفاهی است) و پدیده انقلاب اسلامی، این‌همانی بسیاری وجود دارد. به این معنا که پیدایی این پدیده به صورت یک واقعه علم‌شده در جهان بیرون، ابتدائاً حاصل هنر انقلاب اسلامی در برانگیختن گفت‌وگویی ژرف میان جهان بیرون یا امر روزمره‌شده هر فرد با جهان درون یا دنیای باورهای اوست؛ «جهان بیرون»ی که می‌خواهد همه چیز را تحت‌نظم درآورد و از این‌رو، سعی در محدودکردن دامنه اراده و اختیار هر فرد و گستره توانایی‌های او، خاموش کردن آتش پرسش‌ها و کنجکاوی‌هایش و به اطاعت و انقیاد کشیدن وی دارد و «جهان درون»ی که نیاز به حفظ و تداوم بقا و هستی، وامی‌داردش هر چه بیش‌تر این نظم را بپذیرد و از آن سرنیچد.

با این ملاحظه، واقعه‌ای نظیر انقلاب اسلامی که از طریق زبان (اعم از زبان تصویری، گفتاری، نوشتاری، تجسمی، حجمی و ...) خود را در جهان فهم افراد نشانه‌گذاری کرده و می‌کند، پیش از آنکه در عالم عین و عمل متجلی شود، در جهان درون یا جهان ذهنیت‌های هر فرد تحقق یافته و می‌یابد، از طریق به‌گفت‌درآوردن صداهای خاموش‌شده جهان درون؛ جهانی پُرسکوت که باور به توانستن و اراده به دانستن و عزم به تغییر، به آن جا رانده‌شده یا تا آن جا عقب‌نشینی کرده است. انقلاب اسلامی، هنر کشف این باور به توانایی است؛ توانایی درهم شکستن و به‌زیر کشیدن



اسطوره‌های نظم و نظم‌های اسطوره‌ای شده‌ی جهان بیرون.

۳- پرسش‌هایی که در این حفاری یا نقب‌زنی به قصد کاوش و کشف عناصر فرهنگی، ادبی و هنری انقلاب اسلامی به کار می‌آیند منطقاً باید از جنس معنایی باشند:

- انقلاب اسلامی برای اهالی هنر و ادبیات چه معنایی داشته و موجب رستاخیز کدام معانی از پیش موجود شده است؟

- آنها با این معنا چگونه گفت‌وگو کرده‌اند و چگونه آن را در جهان بیرون با دیگران به اشتراک گذاشته‌اند؟

- بیرونیان چگونه این معانی به اشتراک گذاشته‌شده را به مصرف رسانده‌اند و آیا برای کنش به مصرف‌رسانی معنا، می‌توان تاریخ انقضایی در نظر گرفت؟

- اگر چنین باشد، پس از انقضای تاریخ مصرف، معناها در کجا رها شده‌اند و آیا بار دیگر به زندگی روزمره بازخواهند گشت؟ و ...

اصطلاح مصرف معنا، ناظر به کمکی است که هنر و ادبیات انقلاب اسلامی، از طریق تولید معنا، به فهم این پدیده می‌کند و کارکردهایی که این معناها بر ساخته در زندگی روزمره انسان‌ها برعهده دارند، نظیر ادراک‌پذیر کردن تغییر مناسبات اجتماعی در پی انقلاب اسلامی، شیوه‌های خلق جهان اجتماعی، فرهنگی و ادبی جدید در قالب مفاهیم، اصطلاحات، ترکیبات، توصیفات، تعبیر، تصاویر و ... یا در هیئت نهادها، مراکز، مؤسسات و ... یا به صورت آیین‌ها، مراسم، مناسک و ... همچنین اصطلاح مصرف معنا ناظر بر این است که معانی برساخته ادبی و هنری انقلاب اسلامی، در نتیجه و در جریان مصرف‌شدگی طی زندگی روزمره، همچون موجودات ذی‌حیات دارای حقوق شهروندی شده‌اند و در پی حقوق‌مند شدن، نیاز دارند که شناسنامه‌دار شوند!

فراخوان مسئولان و متولیان فرهنگی جامعه به تدوین تاریخ شفاهی هنر و ادبیات انقلاب اسلامی، در قالب پروژه‌ای درازمدت، دیربازده و با طراحی دقیق، منظم و منطقی شبکه‌های ریز و درهم‌تنیده و مرتبط با یکدیگر، به‌زعم من، به‌مثابه راه‌اندازی نوعی سازمان ثبت احوال فرهنگی، ادبی و هنری انقلاب اسلامی است. کمری در سخنان خود تصریح کرد که اهتمام و اقدام به چنین کار تأسیسی - مبنایی - بنایی، بیش از آن که نیازمند بودجه و تأمین اعتبار باشد، به استمرار، استقرار و استقلال فعالیت‌های فرهنگی نیاز دارد و استمرار ورزیدن در این کار بزرگ و سترگ تا رسیدن به استقرار، مشروط به دانایی و دلسوزی و درایت مسئولان و متولیان فرهنگی است. حال آن که به گفته ایشان، هر جا سخن از هنر و ادبیات به میان می‌آید، اتفاق شایع این است که با اقداماتی احساسی - عاطفی، ذوقی - استحسانی و البته باورمندانه - شورمندانه روبرو باشیم. متقابلاً، اتفاق نادر این است که این باور و شور به‌مدد خردورزی، آینده‌نگری، دوراندیشی، روشمندی و نظریه‌مداری لگام



زده شود و کار از سطح یا رویه عبور کند و به رویه مبدل گردد.

۴- پیش‌بینی کم‌ری این است که با راه‌اندازی این ثبت احوال فرهنگی، ادبی و هنری برای انقلاب اسلامی، دست‌آوردهای متعددی حاصل کنیم که من آنها را با بهره‌گیری از فحوای سخنان ایشان به شرح زیر فهرست کرده‌ام:

۱. صدور شناسنامه ادبی و هنری انقلاب اسلامی،
۲. ایجاد یک برنامه تحقیقاتی وسیع و گسترده که بر اساس آن، برای چند دهه آتی، فعالیت‌های پژوهشی همگرا یا همپوشان در حوزه ادبیات و هنر انقلاب اسلامی و تاریخ شفاهی معرفی و طراحی شده است،
۳. شناسایی ساحت‌ها یا قلمروها یا حوزه‌های اصلی در هنر و ادبیات انقلاب اسلامی، ناظر بر ساحت یا قلمرو یا حوزه جغرافیایی و نیز ناظر بر تقدم و تأخر ظهور و بروز ساحت‌ها یا قلمروها یا حوزه‌ها و تأثیرگذاری آن‌ها بر شکل‌گیری ساحت‌ها و قلمروها و حوزه‌های فرعی‌تر،
۴. تهیه و تدوین کتب متعدد مرجع در زمینه هنر و ادبیات انقلاب اسلامی که دارای اعتبار و استناد کافی باشند،
۵. راه‌اندازی لژنه‌ها، انجمن‌ها، گردها و یا حلقه‌هایی که با حساسیت و ظرافت و دقت، مجموع فعالیت‌های صورت‌گرفته در حوزه هنر و ادبیات انقلاب اسلامی و تولیدات متنی، سمعی، بصری، حجمی و تجسمی آن را رصد کنند،
۶. برگزاری جلسات رونمایی، معرفی، نقد و بررسی و پرسش و پاسخ درخصوص آثار و تولیدات منتشرشده در حوزه ادبیات و هنر انقلاب اسلامی برای تقویت داده‌های اطلاعاتی مندرج در کتب مرجع نهایی،
۷. لینک یا پیوند دادن لژنه‌ها، گردها و حلقه‌های هنری و ادبی انقلاب اسلامی به لژنه‌ها، گردها، حلقه‌ها و انجمن تاریخ شفاهی و امکان بهره‌برداری طرفینی از داده‌ها و یافته‌ها،
۸. تقویت بنیه تاریخ شفاهی در ایران و امکان حضور فعال‌تر، مؤثرتر و گسترده‌تر تاریخ شفاهی کاران ایران در مجامع بین‌المللی، و ...

